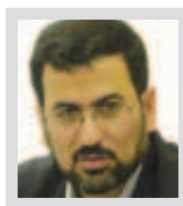


ورزش، بهداشت و... رواج پیدا کرده است که در سطح خرد و کلان مطرح می‌شود. محور مطرح اقتصاد زیارت در سطح خرد، دغدغه‌های اقتصادی زائر و در سطح کلان مدیریت شهری، ملی، عرصه قانونگذاری و سیاستگذاری است. مأموریت ویژه شهر مشهد در منظومه شهرهای ایران عبارت است از تحول آفرینی؛ روی این واژه تأکید دارم. قطعاً زیارت برای زیارت معنا ندارد در غیر این صورت به گردشگری تقلیل پیدا می‌کند. یعنی اگر نشان دادن محیط‌های معنوی حرم به یک فرد با هدف تحول آفرینی در آن فرد نباشد این در واقع سیاحتی است. موضوع ابتدایی، اتفاق نظر بر مأموریت اصلی مشهد است. با پیش فرض اتفاق نظر بر این موضوع، مشهد چگونه باید توسعه پیدا کند؟ توسعه مشهد در حلال اتفاق نمی‌افتد متاثر از مدل‌ها و الگوهای توسعه‌ای است که در کشور است. و حتی متاثر از مدل‌های توسعه در جهان، یعنی ماضی‌ان این که به مبانی نظری متقن‌مان باور داریم، نمی‌توانیم از واقعیتی که در صحنه امروز کشور و جامعه بین الملل وجود دارد غافل باشیم.

ما در دو سر طیف نباید به واقعیت‌ها بی‌توجه باشیم و در برابر آن با تغافل از آرمان‌هایی که برای ما مقدس هستند تسلیم مطلق واقعیت‌ها شویم. اتفاقاً اگر مدیریت در شهری مثل مشهد خیلی سخت است دقیقاً به همین دلیل است و مدیریت شهر مشهد سخت‌ترین مدیریت در کشور است به دلیل این که این شهر مأموریت خاصی دارد. ایده آل این است که در عین این که مأموریت اصلی مشهد عملیاتی می‌شود، باید به لحاظ اقتصادی الگو و تروتمندترین شهر باشد. واقعاً مسئله این نیست که در مشهد یک پروژه تجاری با یک برند خاص وجود داشته یا نداشته یا ابنیه متفاوتی داشته باشد بلکه باید در مشهد آدم‌های متفاوتی داشته باشیم. محور اصلی توسعه، توسعه انسانی است. واقعاً در خصوص متحول کردن افرادی که در مشهد هستند چه برنامه‌ریزی شده و چقدر تحت تأثیر نورانیت این مضجع منور قرار گرفته‌اند؟

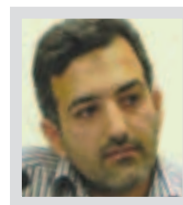
بحرینی: ببینید دوتا مدل برای توسعه مشهد گفتید این یا آن؟ من می‌خواهم بگویم این شیوه طرح سوال هم غلط است و هم دیگران را به اشتباه می‌اندازد. این اگر از آن سوالاتی باشد که ما مخیر باشیم که یکی از دو گزینه را انتخاب کنیم، به همان سرنوشته دچار خواهیم شد که اول عرض کردم. براساس یک الگو، یک مدل و با انتخاب یک مدل باید با آرمان‌های خودمان خدا حافظی کنیم و براساس مدل دیگر باید شهر را



✚ برادران: وقتی که هنوز چارچوب‌مان از نظر فکری مشخص نیست و ابعاد آن مسائل را نمی‌دانیم نباید در مقام طرح سوال یا صدور یک حکم، یکی از پروژه‌ها یا رفتارهای یکی از نظام‌های مدیریتی را زیر سوال ببریم. در این صورت نه تنها نفی نبرده‌ایم، بلکه ممکن است هزینه‌ای را هم بر جامعه تحمیل کرده باشیم.

انحراف در برنامه ریزی شهری است. آمایش سرزمین در مشهد، بدون توجه به این مأموریت اصلی غلط است. مدیریت در مشهد کار بسیار سختی است این سختی ایجاب می‌کند که وقتی کاری انجام شود بالاخره در معرض نقد باشد. آنچه که مهم است و ما را پیش حضرت رضا (ع) از شرمندگی خارج خواهد کرد این است که ما هر قدمی که بر می‌داریم، هر طرحی که تصویب یا هر بودجه‌ای که تصویب می‌کنیم، هر پروژه‌ای کلنگ می‌زنیم، افتتاح می‌کنیم در همه اینها توجه داشته باشیم آیا این با مأموریت اصلی مشهد همخوان هست یا نه؟ اگر همین یک معیار را اجماع کنیم و همه به آن توجه کنیم من معتقدم به طور طبیعی مدل توسعه ویژه مشهد کشف خواهد شد که این مدل نه کاملاً منطبق بر الگوی اول است و نه کاملاً منطبق بر الگوی دوم است بلکه یک الگوی تلفیقی است. مأموریت نصب العین همه ما است سازه‌ها، آدم‌ها، نهادها، روابط همه براساس این شکل می‌گیرد و البته تأکید می‌کنم، کار بسیار دشواری است.

✚ موضوع انتخاب بین این دو مدل نیست بلکه این دو نگاه در بین نخبگان وجود دارد و باید تبیین و نقد شود و بلکه نگاه سومی مطرح گردد. در دوره فعلی به مقطعی رسیدیم که مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران نامگذاری می‌شود. و فرصت خوبی پدید می‌آید تا در حوزه قانونگذاری، مطالعه و اقدام در این راستا حرکتی صورت گیرد - در قانون برنامه پنجم هم به این موضوعات اشاراتی شده اما همه اینها منوط به این شد که یک مطالعاتی داشته باشیم تا از دل این مطالعات الگویی برای توسعه مشهد بیرون بیاید. مطالعات طرح زیارت چقدر ما را به آن واقعیت و هدف



✚ ارشدی: توسعه مشهد در حلال اتفاق نمی‌افتد، متاثر از مدل‌ها و الگوهای توسعه‌ای است که در کشور است. و حتی متاثر از مدل‌های توسعه در جهان، یعنی ماضی‌ان این که به مبانی نظری متقن‌مان باور داریم، نمی‌توانیم از واقعیتی که در صحنه امروز کشور و جامعه بین الملل وجود دارد غافل باشیم.

## نزدیک کرد؟

بحرینی: اظهار نظر در مورد طرح مطالعات و نتایج طرح که چقدر به این اهداف رسیدیم می‌رسد، قضاوت سختی است. در تدوین برنامه‌ها و رویکردها، گاهی وقت‌ها از عنصر معنویت غفلت می‌کنیم. آیا ما در برنامه ریزی‌های مان این شاخص را برای تدوین برنامه باید قرار دهیم؟ مثلاً شاخص تقوادر اقتصاد.

مهدب: این که ما می‌گوییم باید مدل توسعه خودمان را مبتنی بر دین استخراج کنیم، خیلی وقت‌ها جای بحث دارد این یکی از موضوعاتی بوده که ما با همه ضعف و ناتوانی که به آن اقرار می‌کنیم تلاش کردیم تا یکی از شاخص‌های تدوین برنامه‌مان باشد. لذا در مرحله اول تدوین برنامه توسعه زیارت حدود یک سال روی مقدمات زیارت و کار کردهایش این که شهر زیارتی و دینی چیست متمرکز شدیم. شاخص‌های ش کدام است، چه اتفاقی باید پس از آن زیارت باید رخ بدهد؟ بنابراین در گام اول سعی کردیم زیارت و کار کردهایش را بشناسیم. این را از منظر بزرگان با ۱۵۰ نفر از علما، کسانی که صاحب اندیشه و حرف بودند تدوین کردیم و از کتب، نشریات، مقالات، پایان نامه‌های خارجی و داخلی و در نهایت یک کتابی را که در واقع منشور نگاه ما به مقوله زیارت بود با عنوان "بازشناسی مفهوم زیارت" به عنوان مبنای کار در برنامه ریزی قرار دادیم.

این‌ها برای مایک را هر برد شد. چون نگاه این بود که چگونه این نتایج مطالعات عملیاتی شود، می‌شد مثل تقریباً همه اسنادی که در کشور تدوین می‌کنند مطالعه را با چند تا از اساتید پشت درهای بسته انجام داد و بعد از تصویب ابلاغ و اجرا کرد. اما در این مطالعه از ابتدا سعی شد در نشست‌های تخصصی از همه دستگاه‌ها و نخبگان استفاده شود و بعد از تدوین، در قالب نشست‌های تخصصی دائماً عرضه می‌شد تا هر کس نقد و نظری و نکته‌ای دارد اعلام کند.

✚ آقای موسویان: مطالعه، مطالعه دقیقی است و به مرحله تدوین سند رسیده است. سند قابل قبول است البته نقدهایی هم بر آن وارد است. انصافاً کار کم نظیری و خوبی انجام شده اما صرفاً سند راه گشا نیست. مشکل گام بعدی هست که سخت‌تر است. مشکل اینجاست که ما محتوای کیفی داریم مفاهیم ناب داریم اما این‌ها را نمی‌توانیم به مدل اجرایی و برنامه تبدیل کنیم. این سند هویت چشم اندازی دارد و باید به برنامه تبدیل شود و کار بسیار سختی است. البته الزامات اجرایی این سند، تصویب در کار گروه زیارت استان، شورای برنامه